

بررسی مقایسه ای گارانتی با مقررات قانون مدنی

حسن رضوانی^۱، محمد باقر عامری نیا^۲

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت،

مرودشت، ایران

^۲ استاد یار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران و استاد

مدعو گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

محمد باقر عامری نیا

mohamadamerinia@gmail.com

چکیده

از گارانتی تعاریف متفاوتی شده است. گارانتی به معنای ضمانت، تضمین، وثیقه و تضمین نامه بکار رفته است. یک تعریف به این عبارت آمده است، خدمات پس از فروش کالا و خدمات، نه تنها ضامن بقای تولید و گردانندگان شرکت های تولیدی است بلکه یکی از مهمترین عوامل مؤثر برای رقابت در بازارهای جهانی است. هر چند گارانتی از ضرورت های زندگی امروز است اما ریشه در برخی نهاد های شناخته شده سنتی دارد. قانون مدنی نیز، درباره پذیرفتن مسئولیت عیب و نقص، مقرراتی در باب خیار عیب و ضمان درک دارد که بی شbahat با مقررات گارانتی نیست هر چند تفاوت های بارزی نیز بین آن دو وجود دارد.

کلید واژه: گارانتی، مقررات گارانتی، مقررات قانون مدنی.

مقدمه

پیشرفت صنعت و پیدایش اختراعات و ابداعات جدید که مبتنی بر تکنیک و فنون بسیار پیچیده اند، موجب ارائه انواع و اقسام کالاها و محصولات ناشناخته به جامعه گردیده است.

تولید کنندگان و عرضه کنندگان این کالاهای هر کدام داعیه بهتر بودن محصول خود را دارند و در این خصوص از تبلیغات گوناگون که گاهی برخلاف ماهیت واقعی کالای خود به مصرف کنندگان القاء می نمایند دریغ نمی ورزند. در چنین فضایی شخصی که توانایی ترغیب و تشویق بیشتری داشته باشد در جلب مشتری موفق تر است.

یکی از راههای جلب مشتری ارائه خدمات و تضمین کیفیت کالا پس از انجام معامله است. مصرف کننده ای که هزینه خرید کالا را پرداخت می کند از نظر روانی کالایی را که با گارانتی عرضه می شود بر کالایی که بدون هیچ گونه ضمانی عرضه می شود ترجیح می دهد. این مقاله به بررسی مقایسه ای گارانتی و مقررات قانون مدنی پرداخته است.

گارانتی و پذیرش مسئولیت

قانون و عرف و اخلاق مسئولیت جبران خسارت را بر عهده تولید کننده و یا عرضه کننده کالا و خدماتی که باعث ورود ضرر به مصرف کننده شده می گذارد. هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند و این یک اصل مورد پذیرش تمامی نظام های حقوقی است. دکتر لنگرودی مسئولیت را این گونه تعریف نموده است؛ «مسئولیت، تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگران وارد کرده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد». [۱]

در این تعریف اگر چه مسئولیت مدنی بیان شده است لیکن از جنبه عمومی موضوع وقتی مجازاتی برای تولید کننده یا عرضه کننده مตلاف مقرر شده است در واقع جامعه از این فعل زیانبار متضرر شده است. همچنین در تعریف دیگری آمده است؛ «مسئولیت کیفری چنان مسئولیتی است که مرتكب فعل مجرمانه علاوه بر علم و اطلاع باید دارای اراده و سوءنیت یاقصد مجرمانه هم بوده باشد تا بتوان عمل انجام شده را به مرتكب منسب نمود». [۲] در قانون حمایت از مصرف کنندگان علاوه بر مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری برای مخالف نیز شناخته شده است که به نظر می رسد عمل ارتکابی که همان نقص کالا و یا نقص قوانین تولید و عرضه کالا و خدمات باشد را جرم دانسته است. بنابراین قلمرو مسئولیت در گارانتی عبارتند از:

۱-مسئولیت مدنی

۲-مسئولیت کیفری

که در این خصوص باید مسئولیت اخلاقی را نیز متصور بود.

در مواردی که نص قانونی موجود باشد و انجام اعمال خاصی در تولید، عرضه و فروش کالاهای خاصی جرم شناخته شده باشد، صرفاً همان اقدامات جرم محسوب می شود و در صورت ارتکاب جرم، چه به مصرف کننده آسیبی وارد آید و چه مصرف کالا به وی زیانی نرساند پس از طرح دعوی رسیدگی به آن در دادگاه صالح حسب مورد مجازات مختلف تعیین و اجرا خواهد شد. [۳] با این وجود باید مذکور شد در قانون حمایت از مصرف کننده علاوه بر مسئولیت مدنی بخشی به جرمیمه ها و مجازاتها اختصاص یافته است. [۴]

برخی از مسئولیت ها ریشه ی قراردادی دارد در ایجاد رابطه ی قراردادی وجود توافق و قصد انشاء تعهد شرط اساسی است. طرفین باید اثر تعهد را به توافق تعیین نمایند که به آن تلاقي اراده ها گفته می شود. برای تحقق رابطه ی قراردادی علاوه بر شروط اساسی مقرر در قانون و به خصوص مقررات ماده «۱۹۰» قانون مدنی، قراردادهای خصوصی نباید مخالفت صریح با قانون داشته باشد. ممکن است شخص ثالثی به نمایندگی از طرفین قراردادی را منعقد نماید در این صورت اثر قرارداد تعهد متوجه شخصی است که به نمایندگی از او قرارداد ایجاد شده است.

بنابراین زیان دیده در فرض مسئولیت قراردادی باید ابتدا وجود یک قرارداد را در میان خود و تولید کننده کالایی که ضرر از آن ناشی شده است ثابت کند و پس از آن ثابت کند که ضرری از کالای تولید شده توسط تولید کننده به او وارد شده است و سپس ثابت کند که ضرر ناشی از کالای موضوع قرارداد بوده است.

وجود رابطه‌ی قراردادی در صورت ورود خسارت به مشتری احقيق حقوق زیان دیده را با دشواری کمتری مواجه می‌کند. ولی در مواردی که رابطه‌ی قراردادی موجود نیست بار اثبات ضرر و رابطه‌ی ضرر با کالای معیوب و نیز اثبات تقصیر تولید کننده و یا فروشنده‌ی کالای معیوب به دوش زیان دیده است که گاه چنان مشکل و پیچیده است که زیان دیده توانایی اثبات را ندارد. در مسئولیت قراردادی فرض بر این است که معمولاً مسئولیت تولید کننده در قبال خدمات وارد به مصرف کننده پیش‌بینی شده باشد. در این صورت زیان دیده می‌تواند از او مطالبه خسارت نماید. (تعهد ضمنی به سالم بودن کالا).

در گارانتی همانند سایر تعهدات وجود چند رکن برای تحقق تعهد ضروری است. این ارکان را می‌توان به معهد و معهدله و موضوع تعهد تقسیم نمود.

منظور از مسئولیت در عقد گارانتی بیشتر مسئولیت مدنی است. مسئولیت مدنی وقتی قراردادی محسوب می‌شود که از نقض تعهد قراردادی حاصل شده باشد. در تعریف مسئولیت قراردادی اینگونه آمده است: «مسئولیت قراردادی عبارت است از تعهدی که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی برای اشخاص ایجاد می‌شود. تعهدی که نقض شده و ناشی از قرارداد است تعهد اصلی نامیده می‌شود. و تعهدی که به سبب نقض قرارداد بر عهده مدیون قرار می‌گیرد تعهد ثانوی یا فرعی نام گرفته است تا از تعهد اصلی متمایز شود.» کاتوزیان معتقد است؛ «زمانی که خریدار یا مصرف کننده ای در اثر استعمال کالای معیوب متضرر می‌گردد ممکن است عامل زیان را بر مبنای قرارداد مربوط به فروش کالا، مسئول جبران خسارت وارده تلقی کرد.» [۵]

تئوری که از آن به فرض علم فروشنده به عیوب پنهانی کالا نام برده می‌شود، در واقع در هر دو صورت آنچه که فروشنده را مجاب و ملزم به جبران خسارت می‌نماید نقض قرارداد منعقده بین فروشنده و خریدار می‌باشد. بنابراین کافی است بین خسارت وارده و قرارداد مربوط به فروش کالا چنان رابطه‌ای باشد که بتوان گفت خسارت ناشی از عدم انجام قرارداد می‌باشد، در چنین دعوی، خواهان می‌باشد اثبات کند که؛

اولاً: قراردادی بین او و خوانده وجود داشته است.

ثانیاً: ضرری به او وارد شده است.

ثالثاً ضرر ناشی از عدم انجام تعهد در رابطه با کالای خریداری شده بوده است.» [۶]

دو شرط وجود قرارداد و ورود خسارت را در ادامه، برای تفسیر بیشتر بیان می‌نماییم؛

۱- وجود قرارداد

باید میان زیان دیده و فروشنده یا تولید کننده قرارداد گارانتی وجود داشته باشد تا بتوان معهد را مسئول جبران خسارت دانست. «مسئولیتی که پیش از انعقاد قرارداد به وجود می‌آید بر فرض که به مناسبت پیمان آینده باشد وصف قراردادی ندارد.» [۷] بنابراین فرضی که قبل از انعقاد قرارداد گارانتی کالا میان فروشنده و خریدار یا تولید کننده و خریدار خسارتی بر کالای فروخته شده وارد شود در تعهد گارانتی نیست و تعهد بر مبنای گارانتی زمانی محقق می‌شود که قرارداد گارانتی میان طرفین منعقد شود. [۸]

نتیجه آنکه منظور از قرارداد میان فروشنده و یا تولید کننده با خریدار کالا، هم قرارداد در بیع و هم قرارداد گارانتی مبیع موضوع قرارداد است و این دو قرارداد با هم تعهد فروشنده یا تولید کننده را نسبت به انجام تعهدات گارانتی در پی دارند.

ممکن است به صرف عقد بیع، بایع ضامن خسارات ناشی از عیوب پنهان و یا اینمی کالا باشد ولی منظور در اینجا، خسارات حاصله از اثر عقد گارانتی است که بر عهده معهد قرار می‌گیرد. [۹]

۲- ورود خسارت

شرط تحقق مسئولیت تولید کننده یا فروشنده در قبال کالای فروخته شده به ایفای تعهدات مندرج در گارانتی، ورود خسارت به مشتری است. البته ممکن است این گونه تصور شود که صرف خسارت ناشی از استفاده ای کالای معیوب، مبنای مطالبه قرار می‌گیرد ولی بر عکس باید توجه کرد که آنچه توجه کرد که آنچه منظور متعارف خریدار از خرید کالا بوده و کالا عرفًا برای همان منظور ساخته شده است و اگر محقق نشود مسئولیت معهد را در جبران در پی دارد. گاهی ورود خسارت، همان معیوب شدن کالا ناشی از ساخت است که ممکن است فقط معهد را به استرداد قیمت یا تعویض یا تعمیر کالا محکوم نمود و یا ضرر ناشی از استفاده باشد که هر دو صورت خسارت وارد شده است که می‌باشد جبران شود. [۱۰]

فرض کنیم تولید کننده اتومبیل در هنگام فروش به مدت دو سال محصول خود را اعم از موتور و بدنه و قطعات و کارکرد گارانتی می‌نماید و بر اثر استفاده خریدار پس از چهارماه بر اثر عیب فنی ترمز که مربوط به تولید کننده بوده تصادف منجر به فوتی صورت می‌گیرد در اینجا خسارت را باید علاوه بر تعمیر یا تعویض خودرو، پرداخت غرامت و دیه به خانواده مقتول نیز دانست.

مبانی مسئولیت در گارانتی

الف) مسئولیت مبتنی بر تقصیر

تفصیر رفتاری است که از انسان متعارف در وضعیت وقوع حادثه سر نمی زند. اگر عمل در نتیجه عمل غیرمتعارف شخصی رخ می دهد در صورتی وی به جبران خسارت محکوم می شود که متضرر تقصیر وی و نیز رابطه سببیت میان تقصیر و ضرر واقع شده را ثابت نماید. [۱۱]

در مسئولیتهای قراردادی گاه اثبات عهد شکنی برای این منظور کافی است ولی در مسئولیت قهری، تقصیر همیشه برخلاف اصل است و نیازمند به اثبات دارد. اگر تولید کننده در تولید کالا و فروشندۀ در فروش آن اقدامات احتیاطی مناسب را پیش نگیرد، مقرر محسوب می شوند. اقداماتی که به طور متعارف هر سازنده و فروشندۀ ای رعایت می کند. مثل دقّت در ساختن فراورده ها از مواد اولیه مناسب، آزمایش و بازرگانی کالا. اصول علمی و فنی به کار گرفتن کارگران مجرب در تولید کالا، دادن هشدارها و راهنماییهای کافی و واقعی، دقّت در بسته بندی کالا و اصول رعایت استانداردها و ضوابطی که بطور مشخص و متعارف برای هر یک از شغل های تولیدی و تجاری وجود دارد. [۱۲]

تولید کننده و عرضه کننده به صرف ساخت و عرضه کالای معیوب در طول دوران گارانتی در صورتی که گارانتی مطلق باشد، مسئول جبران خسارت هستند. ولی چنانچه گارانتی مطلق نباشد در صورتی مسئول جبران خسارت وارد به مصرف کننده هستند که از تقصیر آنان ضرری وارد شده باشد.

مسئولیت فروشندۀ تنها نسبت به ضررهاست که احتمال ورود آنها قابل پیش بینی است و در اثر استعمال متعارف کالا ایجاد می شود. [۱۳]

ب) مسئولیت محض

مسئولیت محض در واقع مسئولیت نتیجه است نه فعل و از نظر فلسفی توجیهاتی گوناگون دارد. بعضی معتقدند که حق مصرف کننده قابل حمایت است که همان حق سلامت و امنیت است. بعدها حق بر سلامت و امنیت که محدود به مصرف کننده بود عمومیت یافت که تمام مردم حق دارند از خطرهای ناشی از مصرف کالاهای مصون بمانند. [۱۴]

در توجیه دیگری گفته شده که مبنای مسئولیت محض، خطر ناروایی است که اقدام خوانده برای دیگران ایجاد می کند. در ایران نیز مسئولیت محض در پاره از قوانین دیده می شود. از جمله ر قانون نظام صنفی که به صورت کلی تئوری مسئولیت مطلق یا محض را در رابطه با تولید کنندگان و فروشندهای بیان می کند.

تبصره ۴ ماده «۱۵» قانون مزبور در خصوص مسئولیت تولید کننده و فروشندۀ اشعار می دارد : «فرد صنفی مسئول انطباق کیفیت و کمیت هر نوع کالای عرضه شده یا خدمت اراده گردیده با وجه یا اجرت دریافتی مندرج در صورت حساب است». در این تبصره مسئولیت مطلق است. پس در مسئولیت محض لزومی به وجود قرارداد میان زیان دیده و عامل زیان نیست. بنابراین حتی شخص ثالث متضرر از کالای معیوب حق مراجعته به تولید کننده و عرضه کننده کالای معیوب را دارد. بعلاوه متضرر تکلیفی بر اثبات تقصیر عامل زیان ندارد بلکه مسئولیت جبران خسارت به صرف ورود زیان انجام می شود.

تأثیر گارانتی بر حقوق ناشی از عیوب کالا در قانون مدنی

۱- خیار عیب

گارانتی و خیار عیب وجود مشترکی دارند. که عبارت اند از؛ نبود وصف سلامت در کالا، که به مشتری حق فسخ یا مطالبه ارش می دهد. مشتری می تواند با اعمال یکی از دو حق، از خود دفع ضرر کند. در گارانتی نیز برگشت کالاهای فروشنده، به دلیل بروز عیب و نقص فنی است. گارانتی گیرنده، می تواند از حق خود صرف نظر کند. مشتری هم حق دارد خیار عیب خویش را ساقط کند. معیار تمیز کالای معیوب، در بیع و گارانتی نوعی است. و بر حسب زمان و مکان مختلف است.

ماده «۲» قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مقرر می دارد: «کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات، منفردأ یا مشترکأ مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین یا مندرجات قرارداد مربوطه با عرف در معاملات هستند. اگر موضوع معامله کلی باشد، در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرف، عوض سالم را مطالبه کند. و فروشنده باید آن را تأمین کند. اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد، مشتری می تواند معامل را فسخ یا ارش کالای عیوب و سالم را مطالبه کند. و فروشنده موظف است پرداخت کند، در صورت فسخ معامله، از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه کننده منتفی است».

برابر ماده «۴۲۳» قانون مدنی هنگامی برای مشتری خیار عیب می شود که عیب مورد معامله، مخفی و در حین عقد موجود باشد. به همین دلیل عیوب موجود در دوره گارانتی به دودسته تقسیم می شوند.

الف) عیوب موجود در حین عقد.

(ب) عیوبی که پس از انعقاد عقد پدید آمدهاند.

تلاقي گارانتي و موارد استناد به خيار عيب صرفاً در مورد عيوب است که در حين عقد موجود بوده‌اند و لذا می‌توان گفت که نسبت بين گارانتي و موارد استناد به خيار عيب عموم وخصوص من وجه است که فقط يك مورد اجتماع دارند و آن هم در مورد عيوب موجود در حين عقد است که وجود اين عيوب برای خريدار حق خيار عيب پديد می‌آورد و خريدار می‌تواند به استناد وجود عيب مخفی در زمان عقد به خيار عيب تمكّن جوید حال یا عقد را فسخ کند و یا با گرفتن ارش به ابقاء مبيع رضایت دهد. همچنان می‌تواند با استناد به گارانتي الزام سازنده کالا را به تعمير مبيع درخواست کند.

به طور کلي تفاوت‌های ميان گارانتي و خيار عيب وجود دارد به طور خلاصه به شرح زير است :

۱-ضمانت اجرای خيار عيب، فسخ عقد يا مطالبه ارش است. و اعمال اين حقوق فوريت دارد.اما در گارانتي مشترى می‌تواند خواستار تبديل و تعويض کالا باشد. و اعمال حقوق مزبور با تأخير هم امكان پذير است.

۲-برگشت کالا در خيار عيب، با فسخ عقد و در گارانتي با بقای عقد است.

۳-گارانتي ناظر به عيوب پس از قبض است. اما خيار عيب ویژه عيوب قبل از قبض است.و در مورد عيوب بعد از قبض وقتی حاكم است که عيب ناشی از عيوب قدیم باشد.

۴-عيوب در همه اموال جريان دارد. ولی گارانتي معمولاً در اموال منقول است.

۵-خيار عيب در موارد ساقط می‌شود.ولی گارانتي تا پایان مدت باقی است.

۶-گارانتي به توافق مستقل نياز دارد. لیکن خيار بيع به صرف بيع حاصل می‌شود.

۷-گارانتي به سود خريدار است اما خيار عيب به هر دو طرف عقد موضع داده می‌شود.

دکتر کاتوزیان، معتقد است؛ «بروز نقص فني در دوران تضمین در ديد عرف عيب نیست و چون بعد از عقد و تسلیم کالا عارض می‌شود، خيار عيب به وجود نمی‌آورد. لیکن، فقدان وصف دوام سلامت ممکن است به مقتضای شرط، خيار فسخ ایجاد کندي. يا التزام به رفع عيب برای فروشنده ایجاد کند. همچنان گفته شده که اگر عيب حادث نتیجه عيب قدیم باشد، مشتری فقط حق تعويض و تبديل کالاي عيوب را دارد. (بر اساس شرط گارانتي)، نه اعمال حق فسخ به دلیل خيار عيب. [۱۵]

با وجود اين، به نظر می‌رسد که اگر در قرارداد شرط گارانتي شده باشد و پس از قبض در کالاي معيوب عيبي ایجاد شود که نتیجه عيب قدیم باشد، مشتری مخير است که با توجه به عيب کالا، معامله را فسخ يا مطالبه ارش کند. يا با توجه به گارانتي کالا تبديل و تعويض کالاي معيوب را در خواست کند.

۲-شرط تضمین سلامت

با يع به تسلیم مبيع سالم و بی نقص به مشتری متعهد است. اين تعهد ناشی از شرط ضمنی ميان بايع و مشتری است. که طبق آن، مبيع باید بی عيب باشد. در غير این صورت، با يع باید خسارت ناشی از عيب مبيع به مشتری را جبران کند. به عبارت دیگر، تعهد بايع نسبت به ايمان و سالم بودن مبيع تعهد به نتیجه است. و فقط قوه قاهره می‌تواند اورا از مسئولیت مبرا کند. [۱۶]

این شرط ممکن است به طور صحيح، در قرارداد قيد شود و با يع به طور صريح، سلامت مورد معامله را تضمین کند. بنابراین در هر دو قرارداد، هم گارانتي و هم شرط تضمین سلامت، فروشنده یا تولید کننده، سلامت مورد معامله را برای کاربرد مورد نظر تضمین می‌کند. و در هر دو نهاد تعهدات اضافه بر دوش وي، و به سود مصرف کننده مستقر می‌گردد. در قرارداد يا شرط گارانتي نيز، با يع به طور ضمنی به تحويل کالاي سالم و بی نقص متعهد است. با وجود اين، باید در نظر گرفت که تعهد بايع در قرارداد گارانتي، تبديل يا تعويض کالاي معيوب است نه جبران خسارت ناشی از به کار گيري کالاي معيوب. در واقع، در گارانتي خريدار در صورت معيوب بودن کالا، می‌تواند طبق تعهدات قراردادي (اعم از شرط يا قرارداد گارانتي) تعويض و تبديل کالاي معيوب را مطالبه کند. در حالی که مطالبه خسارت ناشی از معيوب بودن کالا در زمرة قواعد ضمان قهري قبل مطالبه است. ضمانت اجرای شرط تضمین سلامت، ایجاد خيار فسخ به سود مشروط له می‌باشد. در حالیکه نتیجه اولیه گارانتي رفع عيب یا تعويض مورد معامله بدون برهم خوردن عقد است. علاوه بر اين، معمولاً سلامت مورد معامله (در شرط تضمین سلامت) به هنگام انعقاد عقد سنجیده می‌شود. ولی گارانتي به دوره خاصی از بهره برداری از مورد معامله محدود می‌شود. همچنان باید توجه کرد شرط تضمین سلامت به عنوان شرطی ضمنی، در قرارداد، ظرفیت بالاي دارد. و با توجه به اینکه می‌توان هر شرطی را که مخالف قواعد آمره نباشد به عنوان يك شرط در عقد درج کرد امکان درج تمام شروط گارانتي در عقد وجود دارد.

برابر ماده «۲۲۱» قانون مدنی که مقرر می‌دارد؛ «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اينکه جبران خسارت تصريح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصريح باشد و يا بر حسب قانون موجب ضمان باشد». سازنده کالا یا فروشنده در صورتی که از انجام تعهداتی که در قالب گارانتي به عهده گرفته است سرباز زند، متعهد له می‌تواند الزام او را در انجام تعهد از دادگاه بخواهد. بنابر اين شركت سازنده رفع نقص يا ارائه خدماتی را تضمین کرده

است و این به منزله تعهد اوست و عدم پایبندی او به تعهد ناشی از تضمین دوام سلامت کالا و یا ارائه خدمات، این حق را به طرف مقابل اعطاء می‌کند که بتواند الزام او را بر انجام تعهدات از دادگاه مطالبه کند.

۳- گارانتی و تبری از عیوب

ماده «۴۳۶» قانون مدنی مقرر می‌دارد؛ «اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد به اینکه عهده عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد، مشتری در صورت ظهر عیوب حق رجوع به بایع نخواهد داشت و اگر بایع از عیوب خاصی تبری کرده باشد فقط نسبت به همان عیوب حق مراجعه ندارد.»

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا صرف تضمین رفع نقص و یا تعویض قطعات کالا از سوی سازنده یا فروشنده در مدت زمان گارانتی نوعی تبری از سایر عیوب نیست؟ به عبارت دیگر آیا چنین نیست که سازنده یا فروشنده با قبول تعهدات خاصی، به صورت شرط ضمنی خود را از تعهدات دیگر بری دانسته باشد و صرفاً مسئولیت او در قبال خریدار محدود به حدود مشخص شده در شرایط گارانتی باشد؟

شرط تبری اصولاً ناظر به عیوب موجود در زمان عقد و یکی از اقسام «عدم مسئولیت» است و مسئولیت ناشی از ضرر کالای معیوب را در صورتی از بین می‌برد که فروشنده آگاه از عیوب نباشد و گرنه تنها خیار عیوب را ساقط می‌کند. [۱۷]

به نظر می‌رسد اعطاء گارانتی نمی‌تواند به طور شرط ضمنی تبری از عیوب باشد.

ماده «۴۲۲» قانون مدنی در جایی که موجب خیار عیوب ثابت باشد، اساساً فسخ عقد یا مطالبه ارش را به عنوان ضمانت اجرایی مؤثر ضرر غیر متعارف پیش بینی نموده است. که به محض اثبات عیوب ثابت است. بدیهی است در کنار حق فسخ و یا مطالبه ارش، حق التزام به پذیرش آثار عقد نیز برای ذوالخیار نیز موجود است. بنابراین طرف دیگر عقد نمی‌تواند به دلیل پیدایش موجبی از موجبات خیار، عقد را متزلزل بداند.

از نظر قانون، در صورت وجود عیوب مخفی، برای مشتری متضرر علاوه بر حق مطالبه ارش حق فسخ معامله نیز ثابت است. اما در گارانتی حق «الزام به جایگزین نمودن مبیع» و حق «الزام به تعمیر» به عنوان دو ضمانت اجرایی مؤثر پیش بینی شده است.

با توجه به مقررات قانونی در مردم عیوب مخفی مبیع، و با توجه به مقررات گارانتی به این نتیجه می‌رسیم که؛ عیوبی که موجب خیار می‌شود چهراً نوعی دارد و وابسته به انگیزه‌ها و هدفهای ویژه دو طرف نیست به همین جهت، وصف سلامت نیازی به شرط ندارد و لازمه هر عقد بدون قید است (مقتضای اطلاق) شرط سلامت کالای مورد معامله چیزی بر اثر عیوب نمی‌افزاید و تأکید است.

از کار افتادن کالای فروخته شده در صورتی عیوب محسوب می‌شود که ریشه و سبب آن در زمان عقد در کالا پنهان باشد. ماده «۴۳۰» قانون مدنی در این زمینه اعلام می‌کند: «اگر عیوب حادث بعد از قبض در نتیجه عیوب قدیم باشد مشتری حق رد را نیز خواهد داشت». ولی اگر عیوب به طور کامل حادث شود، تابع شرط است نه قواعد حاکم بر عیوب.

از نظر قانون مدنی، خیار عیوب در جایی است که مشتری عیوب را در کالا بباید، که با وجود عیوب، خریدار بین انتخاب یکی از سه راه، یا رضایت دادن معامله و یا فسخ آن و یا گرفتن تفاوت قیمت صحیح و معیوب، یعنی ارش مخیر است. و این اختیار را تا زمانی دارد که رد معامله را با تصریح زبانی و یا با عملی که بر آن دلالت کند ساقط نکرده باشد، و نیز در کالای معیوب تصرفی که عین آن را دگرگون کند، ننموده باشد همچنین عیوب جدیدی در نزد خریدار حادث نشده باشد. همچنانکه خیار عیوب برای مشتری ثابت می‌شود برای فروشنده نیز در صورتی که قیمت معین کالا را معیوب بباید ثابت می‌شود. و منظور از عیوب هر حالتی است که چیزی را از مجرای طبیعتی و از خلقت اصلیش خارج کند.

اما با توجه به مقررات گارانتی، گفتیم که؛ « گارانتی (ضمانت) تعهدی است یکطرفه از جانب تولید کننده یا فروشنده کالا یا خدمات به نفع مشتری که در طی دوره‌ی معینی از زمان خرید کالا یا خدمات چنانچه عیوب یا نقصی در محصول حادث شود که منتبه استفاده کننده نباشد فروشنده یا تولید کننده خامن خواهد بود.»

عیوب موجود در دوره گارانتی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛

۱- عیوب موجود در حین عقد.

۲- عیوبی که پس از انعقاد عقد پدید آمده‌اند.

اگر عیوب، موجود در حین عقد باشد، خریدار می‌تواند یا با تماسک به قانون مدنی و استفاده از خیار عیوب، معامله را فسخ کند و یا مطالبه ارش نماید. و یا با استناد به گارانتی فروشنده را به تعویض یا تعمیر کالای معیوب الزام نماید. خریدار در بهره‌گیری از مزایای خیار عیوب، و مزایای گارانتی مختار است. و خریدار کالایی با گارانتی از حقوق بیشتری نسبت به خریداری که کالای بدون گارانتی می‌خرد، برخوردار است. و می‌تواند هر کدام را که سود و منفعت بیشتری برای او دارد اعمال کند. از طرفی، در خیار عیوب اگر سازنده (یا فروشنده

کالا) بتواند ثابت کند که همه احتیاط های لازم را در ساختن کالا به کار برده و عیبی که در مبيع وجود داشته، ناشی از حادثه خارجی است که به او نمی‌توان مربوط کرد، مسئول شناختن وی فاقد وجاهت قانونی است. لیکن در گارانتی چنین نیست. همین که عیب منتب به خریدار نباشد، در برهه زمانی مشخص خریدار می‌تواند از مزایای گارانتی استفاده کند.

بنابراین، زمانی که عیب، حین العقد موجود باشد و کالا نیز از مزیت گارانتی برخوردار باشد، خریدار به مقتضای اختیار خود از حقوق بیشتری برخوردار خواهد بود.

اگر عیب پس از انعقاد عقد بوجود آمده باشد، در فرض اینکه مبيع همچنان تحويل بایع است، و در صورت دارا بودن گارانتی، فرض قبلی متصور است و خریدار همچنان می‌تواند بنا به مصلحت خود از یکی از امتیازات قانونی (خیار عیب، فسخ بیع و یا مطالبه ارش) و یا قراردادی یعنی گارانتی، استفاده نماید.

اما زمانیکه عیب پس از انعقاد عقد و پس از تحويل مبيع نزد خریدار ایجاد شود، بهره گیری از مزایای قانونی آن، یعنی استفاده از خیار عیب، به لحاظ تعریف قانون گذار در مواد «۴۲۲ تا ۴۲۵» قانون مدنی، متفقی است. لیکن خریدار کالای با گارانتی میتواند حتی پس از تحويل مبيع، در صورتی که گارانتی را شرط تضمین سلامت کالا بدانیم این امتیازبرای خریدار بوجود می‌آید که از بار اثبات تقصیر فروشنده و یا سازنده معاف شود. چرا که مسئولیت سازنده یا فروشنده کالا بر تضمین صریح یا ضمنی سلامت کالا، به سود خریدار است و او را از اثبات تقصیر فروشنده بیناز می‌نماید و می‌تواند از مزایای گارانتی استفاده کند. و الزام تولید کننده و یا فروشنده را به تعویض و یا تعمیر کالای معیوب بخواهد.

بنابراین می‌توان گفت مقررات قانون مدنی در مورد عیب مبيع، با مقررات گارانتی قابل جمع است و بنا به مصلحت خریدار هریک قابل اعمال خواهد بود. همچنین، در دوره گارانتی اگر عیب حادث در زمان عقد و تا قبل از قبض موجود بوده خریدار در اعمال حق فسخ و یا مطالبه حق الارش مختار می‌باشد.

و با توجه به انچه گفته شد پر واضح است که با توجه به منتفی بودن اعمال قانونی پس از قبض، در صورت وجود عیب قبل از قبض تعارضی در اعمال مقررات گارانتی با موارد مشابه قانون مدنی ایجاد نخواهد شد.

منابع و مراجع

- [۱] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۲) «دوره مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، ص ۶۴۷، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- [۲] شامبیاتی، دکتر هوشنگ، (۱۳۷۴) «حقوق کیفری اختصاصی»، جلد اول، ص ۲۰، تهران: انتشارات ویستاد.
- [۳] منتقمی، فروغ، (۱۳۸۵) (مجری طرح)، «مسئولیت سازندگان و فروشنندگان کالا در حقوق ایران»، ص ۴۹، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- [۴] ولیدی، محمد صالح، (۱۳۶۶)، «مسئولیت کیفری»، ص ۲۷، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- [۵] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، «الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری»، ص ۷۲، تهران: انتشارات دانشگان تهران.
- [۶] مددی، صادق، (۱۳۸۸)، «مسئولیت مدنی تولید کنندگان و فروشنندگان کالا»، ص ۱۱، تهران: نشر میزان.
- [۷] کاتوزیان، پیشین، ص ۷۵.
- [۸] مددی، پیشین، ص ۴۱.
- [۹] همان، ص ۴۴.
- [۱۰] همان، ص ۴۲.
- [۱۱] کاتوزیان، پیشین، ص ۱۸۵.
- [۱۲] جابری، عصمت الله، (۱۳۸۶)، «حقوق مصرف کننده»، صص ۱۱۰-۱۱۱، اصفهان: نشر دادیار.
- [۱۳] کاتوزیان، پیشین، ص ۶۳.
- [۱۴] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، «حقوق مدنی، دوره عقود معین (۱) معادلات معوض، عقود تملیکی»، ص ۱۹۷، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۱۵] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، «قواعد عمومی قراردادها»، جلد ۳، شماره ۹۸۷، تهران: شرکت سهامی انتشار.

[۱۶] پیشین، ص ۲۴۰.

[۱۷] کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹)، «قواعد عمومی قراردادها»، جلد پنجم، شماره ۲۰۰، ۱۰۰، تهران: انتشارات به نشر.